



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2020, No.(42)

Pg.308-329

تجزیه ی روساختی جمله فارسی

Analysis of the Persian Sentence's Surface Structure

Asst. Instructor Fatima Jawed Abed: FatimaJawad311@gmail.com

University of Baghdad, College of Languages, Department of Persian Language

(Received on 12/1/2020 - Accepted on 10/2/2020 – Published on 1/6/2020)

Abstract

A sentence in Persian language means that everything has an independent meaning. It is made of certain components that represent the sentence different parts. Persian language is of three main parts: the verbal sentence, supporting sentence and nonverbal sentence.

The analysis of the surface structure of Persian includes dividing the sentence into smaller units that form a complete meaningful sentence: subject and predicate.

Keywords: Grammar, Persian, analysis, sentence

تجزیه ی روساختی جمله فارسی

م.م. فاطمة جواد عبد

دانشکده زبان ها - دانشگاه بغداد

چکیده:

جمله در زبان فارسی این همه چیز که در معنی و مفهوم مستقل می باشد . جمله فارسی از ارکان می باشد . که ساختمان جمله فارسی از این ارکان می باشد . که ارکان جمله این اجزای جمله فارسی است همه اجزای جمله در جای های مختلف می باشد .
که اقسام جمله فارسی سه اقسام است . اقسام جمله از جهت معنی ، از جهت فعل ، اقسام جمله از جهت معنی مستقل است .

روش تجزیه ی روساختی جمله فارسی یعنی تجزیه ی اجزای جمله فارسی به نمونه های مختلف از حیث واژه های جمله است . می توان گفت که تجزیه جمله به دو جهت نهاد و گزاره یا قید و گزاره یا جمله های مرکب پایه است .

کلمات کلیدی: دستور/ زبان /فارسی / تجزیه ی / جمله

مبحث یکم :

تعریف جمله در لغت و اصطلاح

تعریف جمله در لغت : همگی چیزی

تعریف جمله در اصطلاح : واحد ساختمانی یقطعه در موسیقی که دارای معنی کامل باشد و در آخران سکون طویل قرار میگیرد¹

ارکان جمله

همه اجزای جمله از حیث نقش، یکسان نیستند. در میان آنها دو یاسه جزء مستند که ساختمان جمله بر آنها استوار است و اگر آنها نباشند ساختمان جمله از هم می باشد و جمله، جمله بودن خود را از دست می دهد و دیگر نمی تواند پیام و مفهومی را ابلاغ کند. این جزءها را ارکان جمله می نامند.

جمله هایی که با فعل لازم (غیر ربطی) ساخته می شوند، دو رکن دارند

1- نهاد (مسند الیه = فاعل) 2- فعل

ابراهیم آمد

نهاد فعل

جمله هایی که با فعل عام (ربطی) ساخته می شوند، سه رکن دارند:

1- نهاد 2- مسند 3- فعل ربطی

ابراهیم باهوش است

نهاد مسند فعل ربطی

جمله هایی که با فعل متعدی ساخته می شوند نیز سه رکن دارند:

1- نهاد 2- مفعول 3- فعل

ابراهیم کتاب خرید 2

نهاد مفعول فعل

اکنون به سه جمـ ریر ریر .

1- ابراهیم با اتوبوس به مسافرت رفت.

2- ابراهیم کتاب تاریخ ایران باستان را از کتابفروشی خرید.

3- فیلم دیدنی است.

جمله نخست از 9 واژه و جمله دوم از 11 واژه و جمله سوم از 7 واژه تشکیل شده است. وارکان جمله نخست عبارتند از دو واژه ((ابراهیم)) و ((کتاب)) و ((خرید)) و وارکان جمله سوم عبارتند از: ((فیلم)) و ((دیدنی)) و ((است)) اگر همه اجزای جمله اول را جز دور کن آن، و همه اجزای جمله دوم و سوم را جزء سه رکن آنها حذف کنیم نارسایی و خللی در مفهوم جمله بر نمی آید:

ابراهیم رفت.

ابراهیم کتاب خرید.

فیلم دیدنی است.

اما اگر یکی از ارکان آن سه جمله حذف شود مفهوم جمله ناقص و نارسا می شود و گروه واژه های باقی مانده، دیگر جمله نیستند اکنون از جمله اول، فعل (رفت) و از جمله دوم مفعول، یعنی (کتاب) و پیام کاملی را نمی رسانند، پس جمله نیستند:

ابراهیم امروز صبح زود با اتوبوس به مسافرت ؟

ابراهیم & خواند.

؟ تازه سینما چهر بسیار دیدنی است³

و اگر جمله ها را از دید گاهی دیگر بررسی کنیم خواهیم دید که در زبان فارسی و نیز در زبانهای

دیگر، جمله ها از طرحهای خاصی پیروی کنند، به سخن دیگر قالبهایی در ذهن گویندگان هر زبان هست که واژه ها در آنها چیده می شود و جمله هابه وجود می آید. مثلاً در زبان فارسی یکی از ساده ترین قالبها این است:

[نهاد] + [مسند] + [فعل ربطی]

در این قالب هر چندتا در مربع اول اسم؛ در مربع دوم صفت یا اسم و در مربع سوم فعل ربطی بگذا ریم، جمله های گونا گونی ساخته خواهند شد. در زبان فارسی برای سخن در حدود هشت قالب وجود دارد که تفصیل آنها را دستور، خواهید خواند.

جایگاه و ترتیب اجزای جمله

هر یک از ارکان و اجزای جمله، جملی گاه خاص دارد، چنانکه:

- 1- نهاد، معمولاً در اول جمله می آید:
خاطره در امتحان نهایی شاگرد اول شد
- 2- فعل، همیشه در آخر جمله می آید خواه فعل تام باشد خواه فعل ربطی:
فاطمه از مسافرت برگشت. طاهره باهوش است
- 3- مسند، پس از نهاد و پیش از فعل ربطی جای دارد و اگر جمله دارای قید باتم هم باشد، مسند پس از آنها می آید: هوا گرم است. هوا بسیار گرم است،
- 4- هوا گرم است. هوا بسیار گرم است. هوا امروز در تمام ایران گرم است.
- 5- مفعول، معمولاً پس از نهاد (فاعل) و پیش از فعل می آید:
فاطمه توپ را برد. طاهره کتابی خرید⁴
- 6- متمم، پس از نهاد و پیش از فعل و مسند می آید: تقی به مسجد رفت تقی از تقی

کوچکتر است. اگر جمله، هم مفعول داشته باشد و هم متمم، آن دو بیشتر به صورت زیر در جمله قرار می گیرند: الف) اگر مفعول بارها همراه باشد معمولاً پیش از متمم می آید: مجید کتاب را از کتابخانه گرفت، حمید قلم را به سعید داد. ب) اگر مفعول همراهی باشد معمولاً پیش از متمم می تواند بیاید و هم پس از آن. مجید کتابی از کتابخانه گرفت = مجید از کتابخانه کتابی گرفت. ب) مفعول وقتی که باروی همراه نیست معمولاً پس از متمم قرار می گیرد. مجید از کتابخانه کتاب گرفت، حمید از فروشگاه کیف خرید. ج) منادا، معمولاً در آغاز جمله و پیش از نهاد می آید.

7- صفت، صفت بیانی معمولاً پس از موصوف خود می آید و صفتهای اشاره و پرسشی و جز آن پیش از موصوف، و هریک از آنها همراه موصوف خود و به حکم نقش و جایگاه آن در جمله مقامی می یابند: کتاب خوب، بهترین دوست است، احمد دیروز این کتاب را به من داد.

8- قید، معمولاً جای قید در اوایل جمله است، چنانکه:
الف) قیدها ی مکان، کمیت (مقدار)، کیفیت، حالت، ترتیب، پرسش و تصدیق اغلب پس از نهاد می آیند: ناصر همه کتابی همراه دارد. نادر خیلی باهوش است. طاهر خوب سخنرانی می کند. صادق غمگین نشسته بود، حسین کجا رفته است؟⁵

ب) قیدها ی زمان و تردد ی معمولاً هم پیش از نهاد می آیند و هم پس از آن: امروز هوا سرد است. هوا امروز سرد است، مهدی شاید امتحان ندهد. شاید مهدی امتحان ندهد.

پ) قیدها ی تمنا و تأسف و تحسین و مسرت معمولاً پیش از نهاد جای دارند:
کاش همه برضد ستم و زور برخیزند، متأسفانه همه قدر نعمت آزادی را نمی دانند.

اقسام جمله (1)

جمله را از جهات گوناگون می توان تقسیم بندی کرد.

اقسام جمله از حیث مفهوم و چگونگی بیان جمله را از حیث طرز بیان و چگونگی رساندن پیام می توان چهار سه کرد: خبری، پرسش، عاطفه، امری. 1) جمله خبری، جمله ای است که به وسیله آن از واقع شدن کاری یا بودن و پذیرفتن حالتی به صورت مثبت یا منفی خبر می دهیم: داوود آمد. داوود نیامد، احمد شاید امتحان رانندگی بدهد. احمد شاید امتحان رانندگی ندهد، دارا غایب است.

1- جمله پرسشی، جمله ای است که به وسیله آن درباره امری پرسش به عمل می آید حال شما چطور است؟ شما به مسافرت نمی روید؟ صالح کجاست؟⁶

2- جمله عاطفی، جمله ای است که یکی از عواطف انسانی مانند شادی، اندوه، تعجب، تحسین، و جز آنها را برساند: خوشا روزی که باهم می نشستیم! افسوس که گل رخا فراموش شدند! عجب گل زیبایی!

شما چه قدر خوش ذوق هستید! آفرین بردست و بر بازوی او! ای کاش همه، قدر آزادی را بدانند!
3- جمله امری، جمله ای است که با آن، انجام دادن کاری یا داشتن و پذیرفتن صفت و حالتی به صورت مثبت یا منفی خواسته می شود: مؤدب باشید، آرام شو. هیاهو نکنید. عصبانی نشوید، دستور مند (جمله مستقیم) // نا دستور مند (جمله غیر مستقیم) جمله از حیث نظم دو گونه است: دستور مند (مستقیم)، نا دستور مند (غیر مستقیم، مقلوب). 1- جمله مستقیم یا دستور مند، جمله ای است که در آن اجزای و ارکان، نظم طبیعی و جایگاه مخصوص خود را داشته باشند: هادی دیروز ما را به خانه خود دعوت کرد. مهدی شاید نتواند امتحان ریاضی بدهد. ای خوش آن بینا که روزی دست تا بینا گرفت⁷

1- جمله غیر مستقیم یا نا دستورمند، جمله ای است. که در آن، نظم طبیعی جمله برهم خورده و اجزای و ارکان در جای خاص خویش نیامده باشند.

اقسام جمله (2) جمله فعلی - جمله اسنادی - جمله بی فعل

2- جمله از حیث فعل سه گونه است: جمله فعلی، جمله اسنادی، جمله بی فعل.

1- جمله فعلی، جمله ای است که با فعل تام (غیر ربطی) ساخته شده باشد:

ماه تایید ماه شنیدیده

نهاد فعل تام نهاد فعل تام

من داستان را خوانده داستان خواننده شد

نهاد فعل تام نهاد فعل تام

2- جمله اسنادی، جمله ای است که با فعل ربطی ساخته شده باشد، به عبارت دیگر مسند آن صفت یا کلمه دیگری باشد که به وسیله فعل ربطی به نهاد نسبت داده شود

فردا شبیه است

نهاد مسند فعل ربطی

3- جمله بی فعل، جمله ای است که در ظاهر ندارد، ولی از حیث ژرف ساخت، دارای فعل تام یا ربطی بوده و فعل آنها به قرینه لفظی یا معنوی و یابه حکم عرف زبان حذف گردیده است. به جمله های زیر توجه کنید: که آمد؟ ← علی (یعنی : علی آمد).

ایستادن ممنوع! (یعنی : ایستادن ممنوع است). خبر دار! (یعنی : خبر دار باستید).

به راست راست! (یعنی : بسوی راست برگردید).

اقسام جمله (3) جمله مستقل (کامل) / جمله ناقص جمله از حیث داشتن پیام و مفهوم مستقل دو گونه است! جمله مستقل یا کامل، جمله ناقص [جمله مستقل یا کامل، جمله ای است که به تنهایی مفهوم و پیامی روشن و کامل دارد: پیکار با فساد بی ثمر و بیداد و استبداد، وظیفه هر انسان آزاده است.

عالم بی عمل درخت است⁸

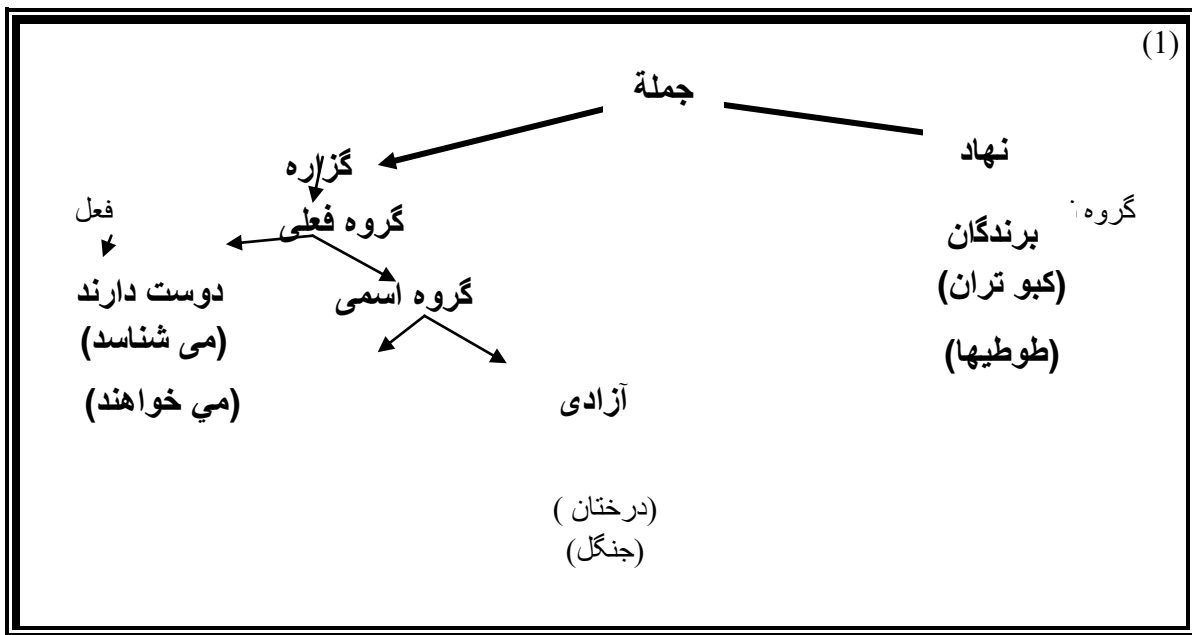
جمله ناقص، جمله ساده ای است که به تنهایی مفهوم روشن و رسایی ندارد. مانند جمله های پیرو همه جمله های پیرو ناقصند ← جمله پیرو. جمله مثبت / جمله منفی

تجزیه ی روساختی جمله

1- روش تجزیه ی روساختی جمله

به تجزیه ی جمله به واحدهای نحوی آن ((تجزیه ی روساختی)) یا ((تحلیل سازه ای)) هریک از بخشها یا واحدهای نحوی حاصل از تجزیه ی یاد شده ((سازه)) گفته می شود. در تجزیه ی روساختی، جمله به طور پیاپی به بخشهای سازنده تجزیه می شود، تا سرانجام، کوچکترین سازه های نحوی، یعنی واژه ها مشخص شود. چنان که پیشتر نیز گفته شد، در دستور زبان گشتاری، تجزیه ی روساختی جمله به صورت نمودار درختی یا سازه نما نشان داده می شود. بدین ترتیب، تجزی روساختی، سازه ها یا واحدهای نحوی سازنده ی جمله و نیز ترتیب ظاهر شدن آنها مشخص می گردد. ساده ترین روش برای

تجزیه ی روساختی جمله روش جایگزین سازی است. بر پایه ی روش یادشده، هر جمله بر حسب امکان جایگزین سازی واحد های نحوی در آن، به بخشها یا سازه های کوچکتری تجزیه می سازه نمای (1) وامکانات جایگزین سازی در آن توجه کنید⁹

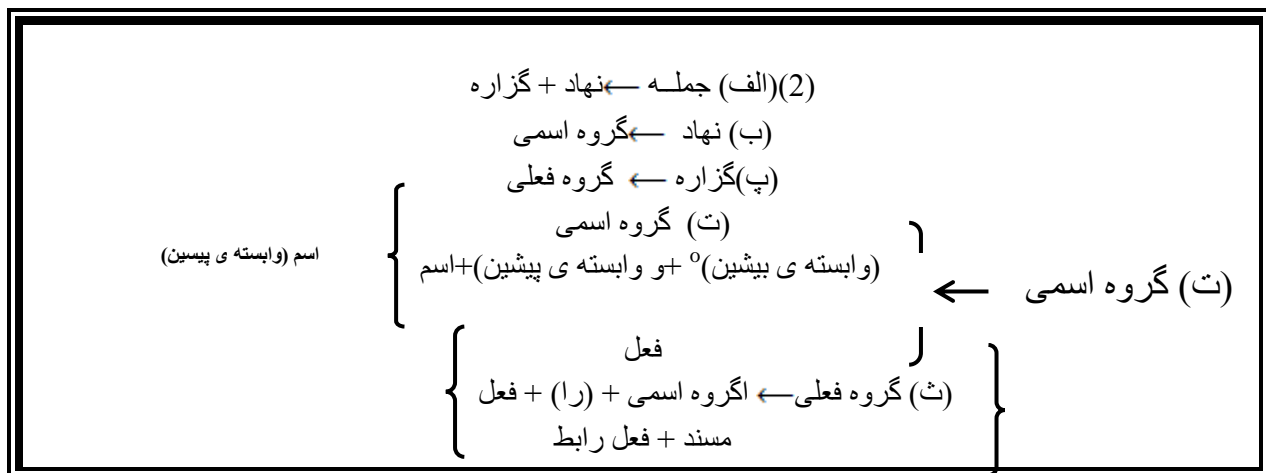


چنان که در نمودار (1) مشاهده می شود، مثلاً هریک از واژه های ((کیبو تران))، ((طوطیها)) و مانند اینها را می توان با بقیه ی جمله یعنی ((آزادی را دوست دارند))، به کار برد تا جمله ی معنی دار دیگری به دست آید. به بیان دیگر، واژه های یاد شده را با واژه ی ((برندگان)) در جمله ی نمونه ی (1) می توان جایگزین کرد. همین کار را در مورد واژه های دیگر همین جمله، یعنی ((آزادی)) و ((دوست دارند)) نیز می توان تکرار نمود. یادآوری این نکته لازم است که تجزیه و توصیف روساختی جمله تنها از صورت عینی و ملموس آن نمایی به دست می دهد. با این حال، چگونگی ظاهر شدن واژه ها در جمله و نیز ترتیب یا توالی آنها خود بیانگر روابط نحوی آنها است و از این لحاظ برای ما بخش مهمی از ساخت نحوی زبان را روش نمی سازد و از همین رو، حائز اهمیت بسیار است. از سوی دیگر، آگاهی بر چگونگی ارتباط ژرف ساخت بار و ساخت جمله که در فصل پیش بررسی شد، ساخت و کارکرد زبان را به خوبی آشکار می سازد یعنی چنان که گفته شد، این دو مکمل یکدیگرند.

2- نمایش تجزیه ی روساختی

بر پایه ی تجزیه ی روساختی، می توان نظام روابط دستوری موجود میان سازه ها یا واحدهای نحوی را روشن ساخت و از این راه، به صراحت توصیف روساختی درستی برای هر یک از جمله های زبان ارائه کرد. بدین ترتیب، هر واحد نحوی بزرگتر به صورت تعدادی از واحدهای نحوی کوچکتر، تجزیه می گردد؛ گاهی نیز تنها به صورت یک واحد نحوی دیگر نشان داده می شود. مثلاً، گروه اسمی ممکن

است تنها به صورت اسم ظاهر شود. در زبان فارسی، تجزیه های روساختی به صورت قاعده هایی از نوع (2) است. به این قاعده ها، تجزیه ی سازه ای یا توصیف روساختی نیز گفته می شود.¹⁰



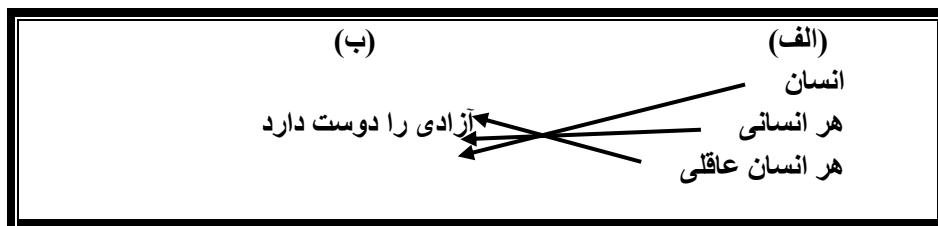
(در تجزیه های سازه ای (2)، نشانه ی - بیکان ← به این معنی است که واحد نحوی بخش طرف راست به صورت واحدها و یا واحد نحوی بخش طرف جب تجزیه و توصیف می شود. دو هلال نشان دهنده ی اختیاری بودن واحد داخل آن است. یعنی عنصر داخل دو هلال می تواند به کار رود یا به کار نرود. علامت دو ابرو نشان دهنده ی امکانات چندگانه است. دایره ی کوچک (o) در بالای واحد دستوری نشان می دهد که ممکن است آن واحد بیش از یک بار به کار رود. بر پایه ی توصیفهای سازه ای، چگونگی روساخت جمله و یا هر صورت زبانی را می توان نشان داد. چنان که گفته شد، در آخرین تجزیه ی روساختی (سازه ای)، واژه ها مشخص می شود. باید به خاطر داشت که اصطلاح ((گروه)) هم به معنی یک جایگاه نحوی و هم به معنی ترکیب نحوی خاص به کار می رود. مثلاً، در جمله ی نمونه ی ((علی کتاب می خواند))، ((علی)) در جایگاه گروه اسمی در نقش نهاد به کار رفته است، در حالی که در جمله ی ((دوست من کتاب می خواند))، ((دوست من)) ترکیب نحوی یعنی گروه اسمی با واحدهای اسم و وابسته است که در جایگاه نهاد ظاهر شده است به واژه هایی که به ترتیب یادشده در بالا در تجزیه ی روساختی به دست می آید، نشانه های پایانی نیز گفته می شود.¹¹

دو بخش عمده ی جمله : نهاد و گزاره

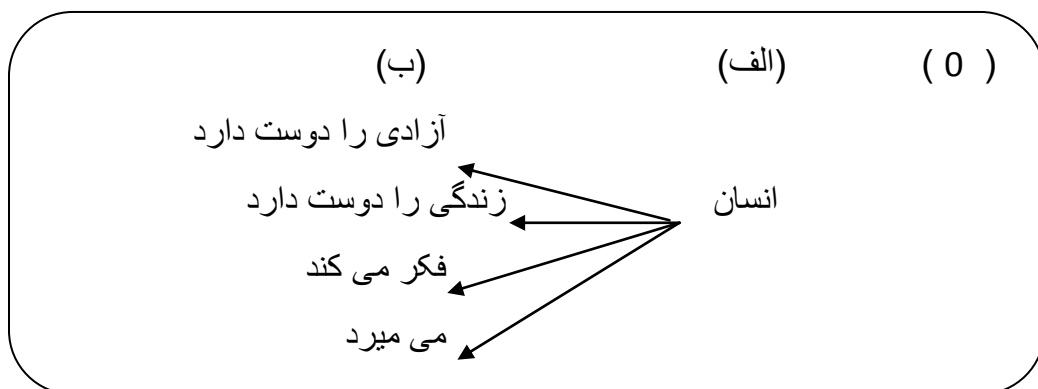
بانگاهی به جمله های زیر می توان دریافت که شمار زیادی از جمله ها در نخستین تجزیه ی روساختی دست کم به دو بخش اصلی تجزیه پذیر است. به نمودار (3) توجه کنید:

الف	ب
انسان	آزادی
جاندار	غذا می خواهد
زمین	گرداست
هوا	تاریک می شود

ارتباط دو بخش (الف) و (ب) در جمله های نمونه ی (3) از رابطه ی شناسه ی فعل در بخش (ب) با بخش (الف) مشخص می شود. شناسه پی بند فعل است که به شخص و عدد اشاره می کند. بر این پایه، ماهیت شناسه ی فعل در بخش (ب) همان ماهیت شخص و عددی است که بخش (الف) بر آن دلالت دارد. از سوی دیگر هر یک از دو بخش (الف) و (ب) را از راه روابط همنشینی و جانشینی با صورتها ی زبانی دیگری می توان جایگزین نمود. مثلاً، به جای ((انسان)) در بخش (الف) در نمودار (3) صورتهایی مانند نمونه های (F) را می توان جانشین کرد:



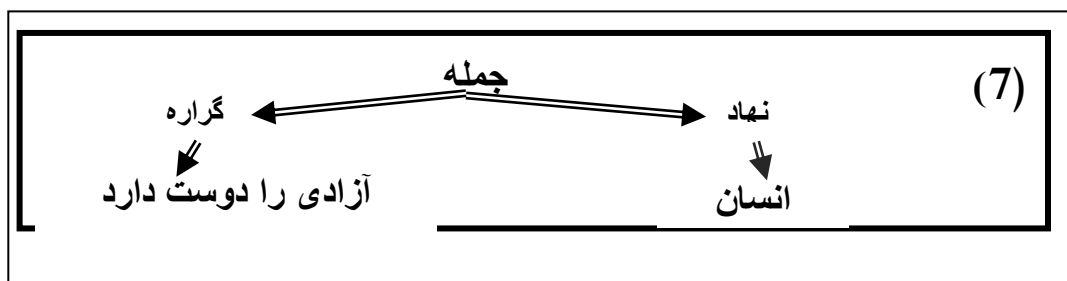
همچنین، بخش (ب) در همان جمله را با صورتهای زبانی دیگری از جمله نمونه های (O) می توان جایگزین کرد:



بر اساس نام گذاری سنتی، به دو بخش یاد شده در بالا، به ترتیب (نهاد) و (گزاره) گفته می شود.¹²

تجزیه ی روساختی جمله: بر پایه ی مطالب بالا، نخستین تجزیه ی روساختی جمله را به صورت (6) می توان نمایش داد (6) جمله ← نهاد + گزاره

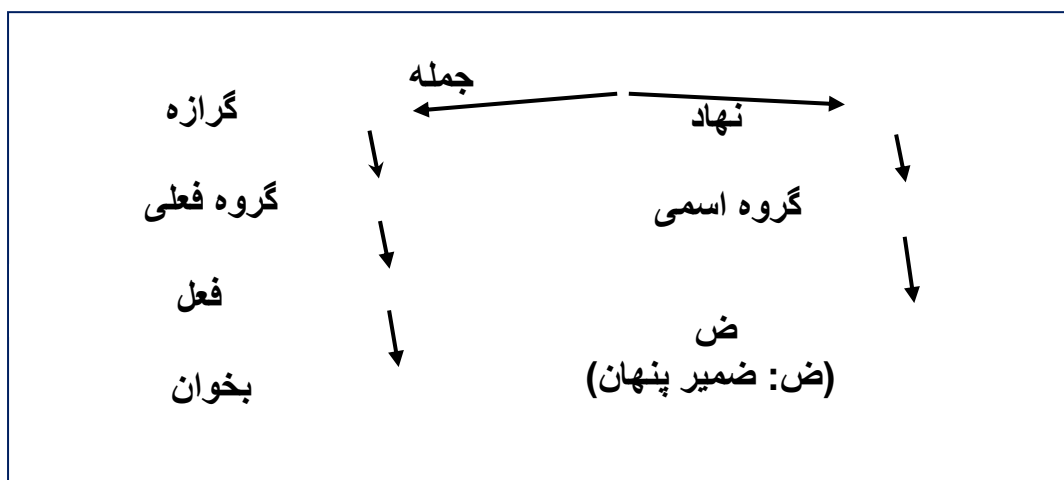
تجزیه ی بالا را می توان چنین بیان نمود: ممکن است جمله به دو بخش نحوی نهاد و گزاره تجزیه شود. تجزیه ی (6) را به شکل سازه نمای (7) می توان نمایش داد:



با این حال، چنان که گفته شد، نهاد و گزاره دو نقش یا رابطه ی دستوری عمده ی جمله هستند. چنان که در نمونه های (F) و (5) مشاهده می شود، در جایگاه نهاد همواره گروه اسمی و در جایگاه گزاره، گروه فعلی به کار می رود. در روساخت، برخی جمله ها تنها بخش (ب) یعنی گزاره را دارا می باشند، مانند نمونه های: می نویسد، فکر می کند، تاریخ شد. روساخت جمله های اخیر را به صورت (8) می توان نشان داد:

(8) جمله ← گزاره.

مانند سازه نمای (9):



مجموع دو تجزیه ی روساختی (6) و (8) در بالا را می توان به صورت تجزیه ی (10) نشان

داد:

(10) جمله ← (نهاد) + گزاره

تجزیه ی (10) نشان می دهد که در روساخت ممکن است جمله هر دو بخش نهاد و گزاره و یا تنها بخش گزاره را داشته باشد؛ یعنی جمله در زبان فارسی یا مشخصه ی امکان نهاد پنهان است. علاوه بر دو بخشی که در تجزیه ی روساختی جمله در بالا نشان داده شد، ممکن است بخش دیگری در آغاز جمله ظاهر شود، مانند نمونه های (11):

(11) بی شک // انسان آزادی را دوست دارد.

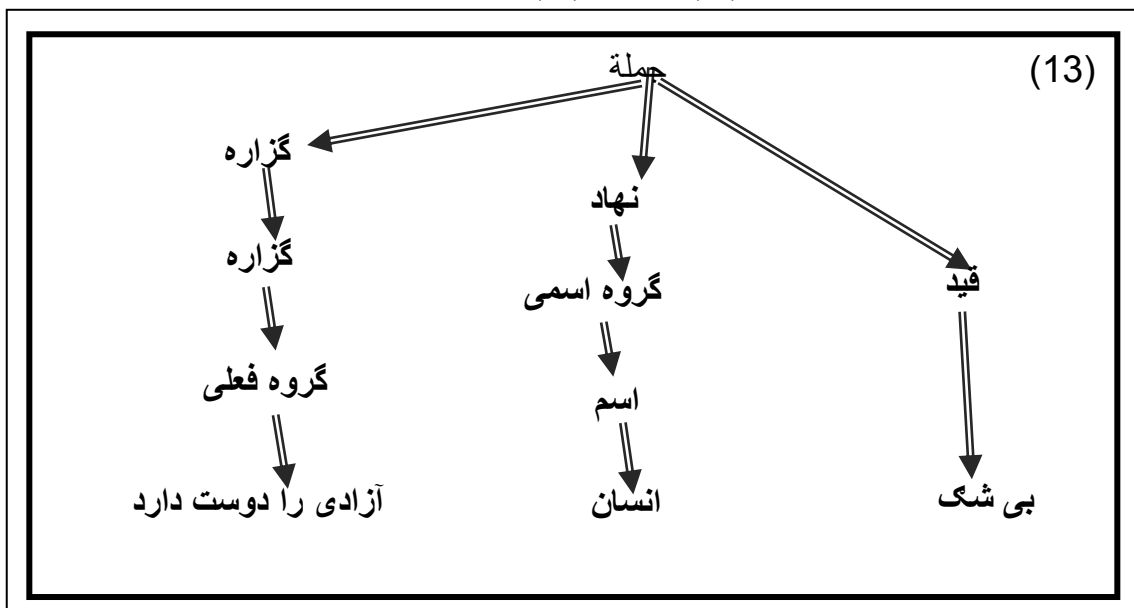
سرانجام هر جاننداری می میرد.

به تدریج برخی از آثار سعدی به همه ی زبانهای زنده ی دنیا ترجمه شد.

به بخشی که در آغاز جمله ظاهر می شود و به روابط دستوری و معنایی ویژه ای از جمله زمان، مکان، چگونگی و جز اینها اشاره می کند و در واقع به تمامی جمله مربوط می شود، به طور کلی (قید) یا متمم قیدی گفته می شود

بر اساس مطالب بالا، تجزیه ی روساختی (12) را برای جمله می توان به دست داد:
(12) جمله ← (قید) + (نهاد) + گزاره

سازه نمای روساخت نمونه ی (13) تجزیه ی (12) را نمایش می دهد:



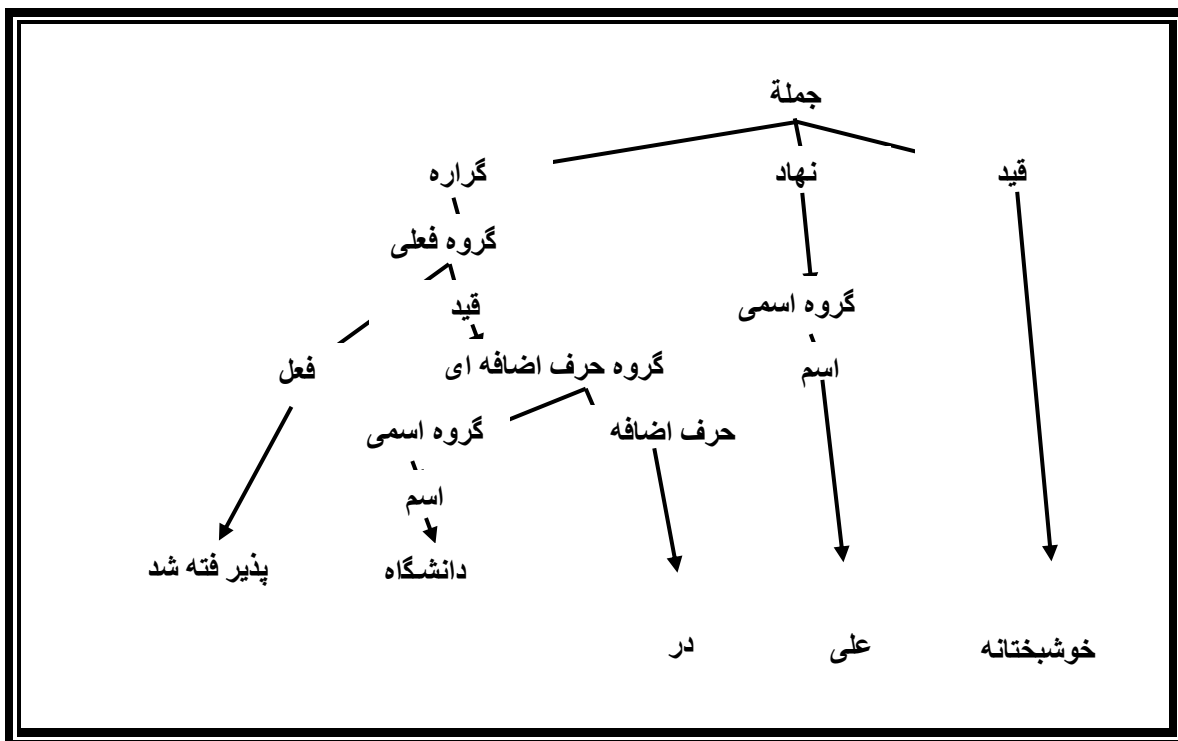
چنان که گفته شد، از لحاظ تجزیه ی روساختی، در جایگاه نهاد گروه اسمی ظاهر می گردد گروه اسمی به نوبه ی خود ممکن است از سازه های نحوی متفاوتی تشکیل شود. در جایگاه گزاره، گروه فعلی ظاهر می شود. در جایگاه قید، گروه قیدی، گروه اسمی، گروه حرف اضافه ای یا جمله ی وابسته ی قیدی به کار می رود.

3- متمم قیدی یا قید

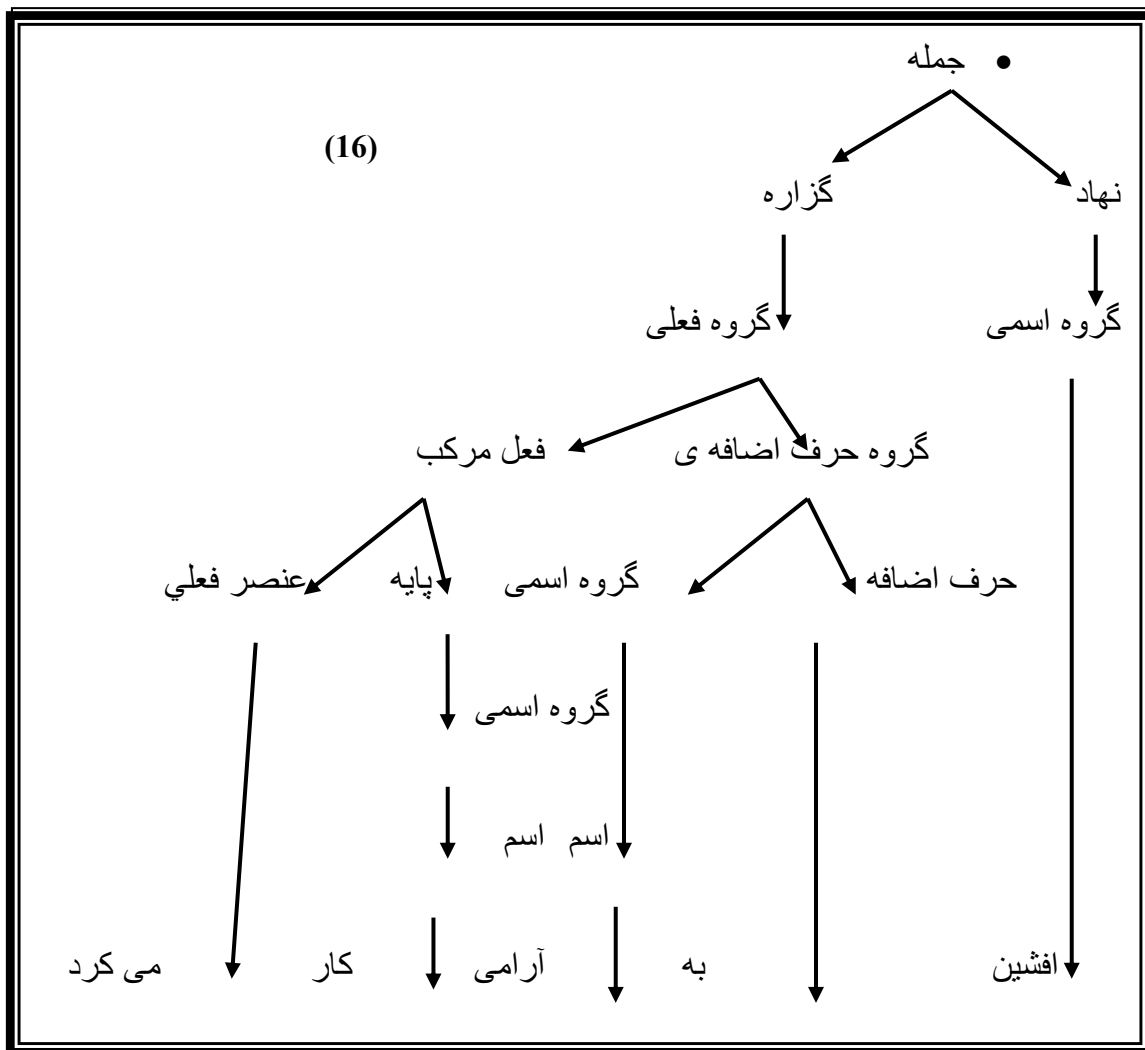
با مشاهده ی جمله های نمونه ی (I F)، معلوم می شود که علاوه بر نهاد و سازه های اصلی گروه فعلی ممکن است یک یا چند سازه ی نحوی دیگر نیز در جمله به کار رود¹³

(I F) خوشبختانه علی در دانشگاه پذیرفته شد. این نویسنده سال گذشته کتابی در باره ی زبان نوشت. این نویسنده در سال گذشته کتابی نوشت. سربازان ما دلیرانه با دشمن می جنگند، احمد به آرامی کار می کرد. من علی را از پیش می شناختم. چون افشین به سفر رفته بود، از موفقیتش بعداً با خبر شد. چنان که در بالا گفته شد، به نقش یا رابطه ی دستوری صورتهای (خوشبختانه)، (در سال گذشته)، (دلیرانه)، (به آرامی) و (چون افشین به سفر رفته بود) در جمله های نمونه ی (I F) متمم قیدی یا قید گفته می شود. چنان که در جمله های نمونه ی (I F) مشاهده می شود، متمم قیدی یا قید ممکن است در آغا زویا در گروه فعلی ظاهر شود به سازه نما های نمونه ی زیر توجه کنید

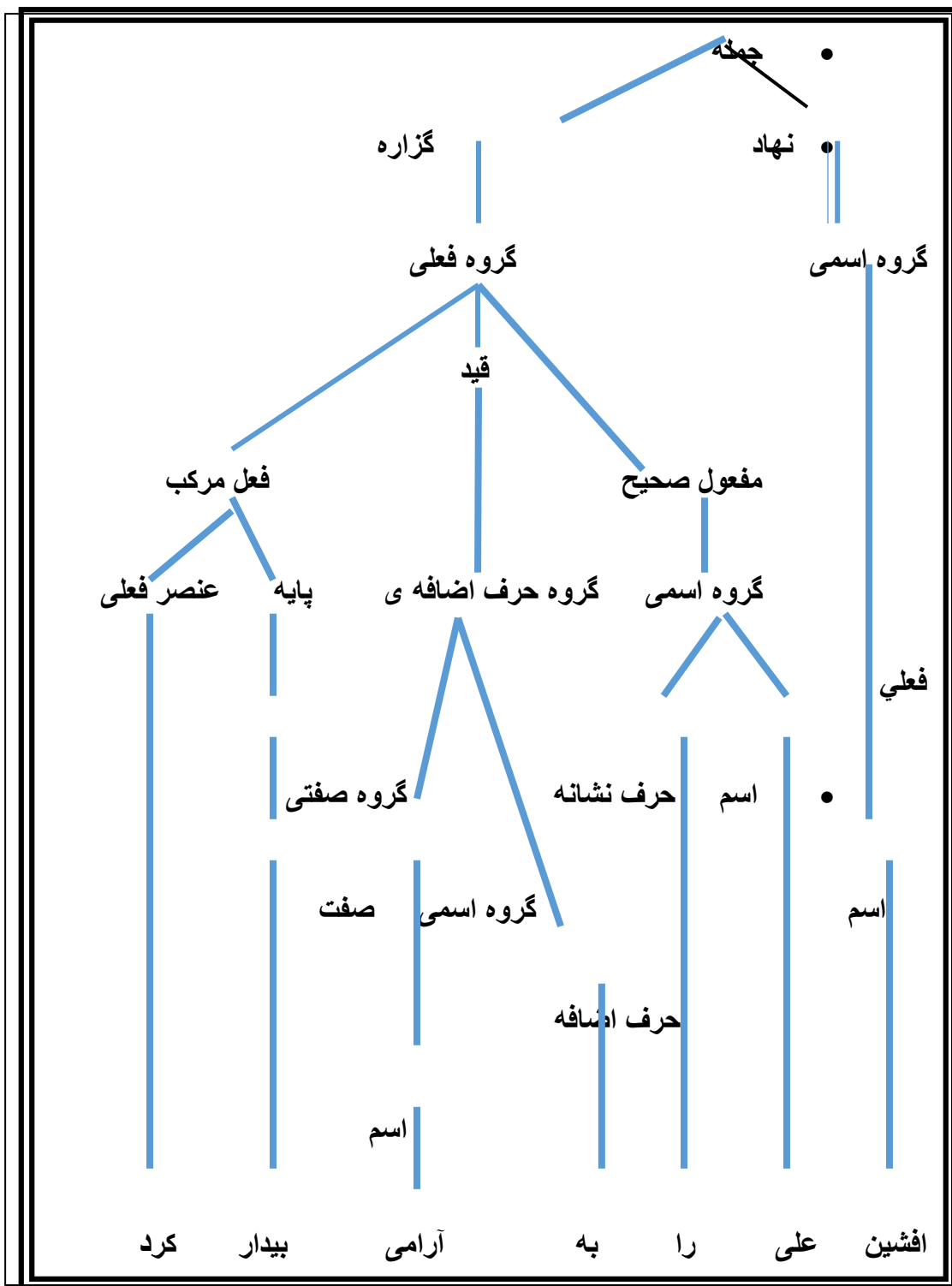
(15) خوشبختانه علی در دانشگاه پذیرفته شد.



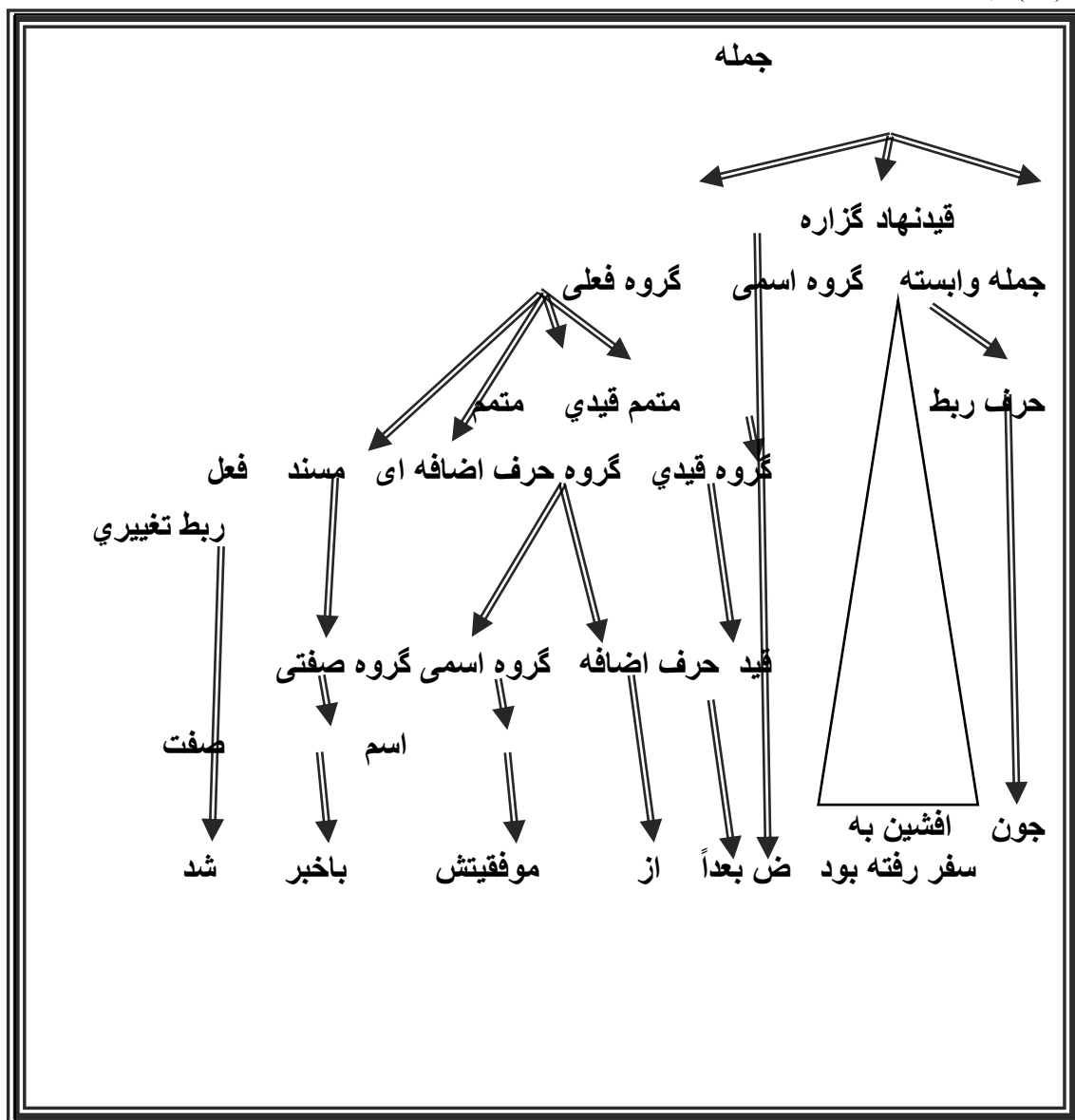
(16) افشین به آرامی کار می کرد



(17) افشین علی را به آرامی بیدار کرد



14(18) چون افشین به سفر رفته بود، بعداً از موفقیتش با خبر شد.



(ض: ضمیر پنهان) در نمودار (18)، (ض) به (نهاد پنهان) اشاره می‌کند

4- انواع جمله

جمله بر دو نوع است: ساده و مرکب.

الف - جمله ی ساده

از لحاظ تجزیه ی روساختی، جمله ی ساده تنها سازه های روساختی یک جمله ی اصلی را داراست. (19) خدا تواناست. بخوان. پیامبر اسلام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد.

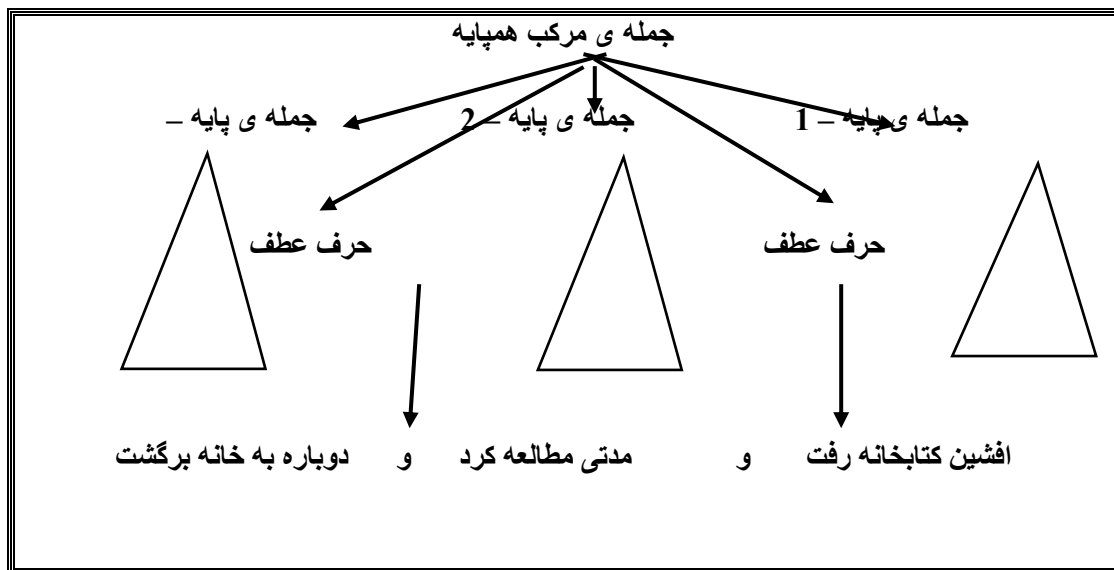
در روی زمین، جانداران بسیاری وجود دارند.¹⁵

ب- جمله ی مرکب

از لحاظ تجزیه ی روساختی، جمله ی مرکب سازه های روساختی بیش از یک جمله ی اصلی را شامل است. به بیان دیگر، از جمله یا بیشتر تشکیل می شود، مانند نمونه های (الف) و (ب): (الف) علی به کتابخانه رفت و کتابی خواند. افشین کتاب خواند و علی رورنامه.

(ب) علی می دانست که افشین به سفر رفته است. علی کتابی را که تازه خریده بود، به نوشین داد. چنان که پیش تر بررسی شد (جمله های مرکب)، جمله ی مرکب بر دو نوع است: جمله ی مرکب همپایه و جمله ی مرکب ناهمپایه. جمله های نمونه ی (الف) و (ب) در (20) به ترتیب جمله های مرکب همپایه و ناهمپایه می باشد.

جمله ی مرکب همپایه جمله ی مرکب همپایه از پیوند دو یا چند جمله ی اصلی تشکیل می شود. جمله های همپایه با یکی از حروف عطف یا حروف ربط همپایگی، یعنی (و)، (یا... یا...)، (اما) (ولی) و جز اینها به یکدیگر مربوط می گردند، مانند نمونه های (20- الف). به هر یک از جمله های سازنده ی جمله ی مرکب همپایه، جمله ی پایه گفته می شود. توضیح این نکته لازم است که جمله های پایه ی سازنده ی جمله مرکب همپایه هیچگونه رابطه ی نحوی خاص با یکدیگر ندارند؛ یعنی، از لحاظ نحوی و معنایی هر جمله ی پایه مستقل است و از این رو، می تواند به تنهایی نیز به کار رود. سازه نمای جمله ی مرکب همپایه به شکل نمونه ی (21) نمایش داده می شود (21) افشین به کتابخانه رفت، مدتی مطالعه کرد و دوباره به خانه برگشت.



چنان که در نمونه ی (21) و نیز نمونه های دیگر مشاهده می شود، نهادهای هم مرجع با نهاد پیشین و نیز سازه های نحوی یکسان در جمله های پایه ی بعدی ظاهر نمی شوند.

جمله ی مرکب ناهمپایه

جمله ی مرکب ناهمپایه از یک جمله ی پایه (اصلی) و یک یا چند جمله ی وابسته که در یکی از جایگاههای نحوی جمله ی پایه ظاهر می گردد. در جلوی جمله ی وابسته، معمولاً، یکی از حروف ربط ناهمپایگی به کار می رود، از جمله: که، تا، اگر، چون، زیرا، زیرا که، وقتی که، هنگامی که، زمانی که، جایی که و جز اینها. در برخی جمله های مرکب ناهمپایه، ممکن است حرف ربط ظاهر نشود. با این حال، در این گونه جمله ها نیز حرف ربط می تواند به کار رود. نمونه هایی از جمله های مرکب ناهمپایه در (22) داده شده است:

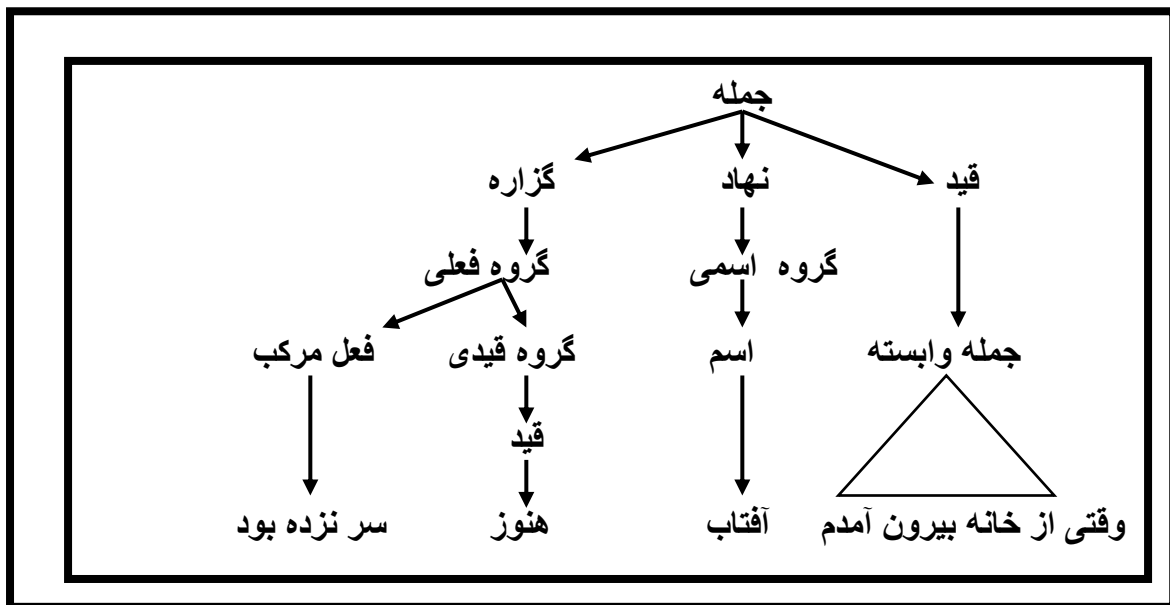
(22) وقتی که از خانه بیرون رفتم، هنوز آفتاب سر نزده بود. این خانه ای است که چندین سال در آن زندگی کرده ام.

معلوم نیست علی کجا رفته است. به نظر می رسد که از کار تازه اش راضی است. نوشین که تازه از راه رسیده بود خوشحال به نظر می رسید. علی گفت که کتاب تازه ای خریده است

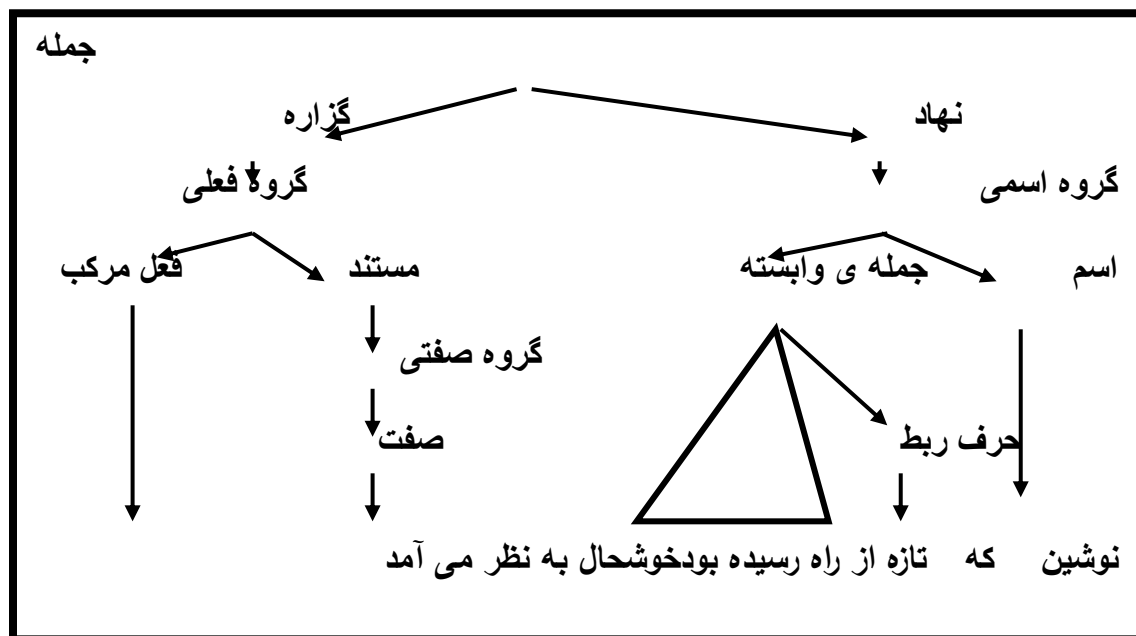
یاد آوری این نکته لازم است که جمله های مرکب همپایه نیز ممکن است با خود جمله های وابسته ای داشته باشند، مانند نمونه ی (23)

نوشین که تازه از راه رسیده بود، خوشحال به نظر می آمد و بیشتر با همه صحبت می کرد. سازه نما های نمونه ی زیر جمله های مرکب ناهمپایه را نشان می دهند.

(F 2) وقتی از خانه بیرون رفتم آفتاب هنوز سر نزده بود.



(25) نوشین که تازه از راه رسیده بود، خوشحال به نظر می آمد.



بگروه اسمی جمله ی وابسته ی متمم فعل به کار

بر پایه ی نمونه های بالا مشخص است که جمله وابسته یاروابط دستوری جمله ی وابسته ی قیدی جمله ی وابسته ی وصفی در گروه اسمی جمله ی وابسته ی متمم فعل به کار می رود¹⁶

پانوشته ها

- ¹ (دهخدا، 1353، ص105)(Dhkada,1353,105)
- ² (گیوی، 1379، ص194)(Gewe, 1379,194)
- ³ (گیوی، 1379، ص195)(Gewe,1379,195)
- ⁴ (دهخدا، 1379، ص195)(Dhkada,1379,195)
- ⁵ (گیوی، 1379، ص196). (Gewe, 1379, p196).
- ⁶ (گیوی، 1379، ص199). (Gewe, 1379, p199).
- ⁷ (گیوی، 1379، ص199-200). (Gewe, 1379, p199-200).
- ⁸ (گیوی، 1379، ص203-205). (Gewe, 1379, p203-205).
- ⁹ (الدینی، 1379، ص91)(Aldene,1377,p91)
- ¹⁰ (الدینی، 1379، ص93)(Aldene,1379,p93)
- ¹¹ (الدینی، 1379، ص93)(Aldene,1379,p93)
- ¹² (خانلری 1355 ص12) (kanlare,1379,p12)
- ¹³ (الدینی، 1379، ص97)(Aldene,1379,p97)
- ¹⁴ (الدینی، 1379، ص98)(Aldene,1379,p98)
- ¹⁵ (الدینی 1379 ص99) (Aladene,1379,p99)
- ¹⁶ (الدینی 1379 ص101) (Aladene,1379,p101)

منابع و مأخذ

1.الدینی، مهدی مشکوه ،دستور زبان فارسی،انتشارات دانشگاه تهران،

مشهد، 1379.

2.انوری ،گیوی ،حسن احمد، دستور زبان فارسی ، انتشارات فاطمی ،

تهران، 1379.

3.خانلری، پرویز نائل ،دستور زبان فارسی ، انتشارات تهران 1355.

4. دهخدا ،علی اکبر، لغتنامه ،انتشارات دانشگاه تهران،تهران،1353.

تحليل البنية السطحية للجملة الفارسية

م.م. فاطمة جواد عبد
جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

خلاصة البحث

الجملة في اللغة الفارسية هي ان يكون لكل شي معنى ومفهوم مستقل. وتتكون الجملة الفارسية من اركان. وتتكون بنية الجملة الفارسية من هذه الاركان. وان اركان الجملة الفارسية هي اجزاء الجملة التي تكون في امكنة مختلفة. ان اقسام الجملة الفارسية ثلاث اقسام هي اقسام الجملة من حيث المعنى ومن حيث الفعل ومن حيث المعنى المستقل.

ان اسلوب تحليل البنية السطحية للجملة الفارسية يعني تجزأة اجزاء الجملة الفارسية بنماذج مختلفة من حيث الفاظ الجملة. يمكن القول ان تجزئة الجملة هو بقسمين: المبتدأ والخبر او القيد والخبر وتمثل بالجمل المركبة الاساسية .

الكلمات المفتاحية: قواعد، اللغة، الفارسية، تحليل، الجملة

سيرة ذاتية (سى وى پژوهشگر)

م.م. فاطمة جواد عبد خاطر العطافي يكي از اساتيد گروه زبان و ادبيات فارسي دانشكده زبانها - دانشگاه بغداد انجام دادن کارشناسی ارشد در سال 2004-2005م بعد از انجام دادن گواهینامه ی کارشناس ارشد لقب علمی آموزش کاردیافت کردم 2014م. من چندین سیمینارهای خارجی در مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با عنوان تاثیر حدیث شریف در شعر حافظ شیرازی .

Email: FatimaJawad311@gmail.com